

روزنامه‌ها چگونه صدای انقلاب را به مردم رساندند

در زمستان بهاران آمد

صفحه ۳

ضمیمه نوجوان

شماره ۴۷ - ۱۶ بهمن ۱۳۹۹

توی این شماره
باهم می‌خونیم

نوجوان

آدرس، یک قدم
بالتر از بهشت

صفحه هفت

مقاله



بادکنک‌های رنگی

ص ۲

براندازی کلیشه‌های

رسانه‌ای

ص ۳

از رنجی که برده ایم

ص ۴ و ۵

گفتگو با نوجوان

برنامه نویس

ص ۶

ربع پهلوی

ص ۸

این داستان برای خوابیدن نیست؛ برای بیدار شدن است

ختم به ظهور منجی. ولی مهم این است که من و تو در این داستان چه نقشی را بازی کنیم. چرا که هنوز نقش‌های مهمی وجود دارد که می‌تواند یک قدم بزرگ رو به جلو در کشمکش‌های این ماجرا ایجاد کند. گام دوم را من و تو باید برداریم. بقیه داستان را ما تعریف خواهیم کرد.

پس از سال‌ها مادران و پدرانمان گوشه‌ای از آن را برای ما تعریف می‌کنند؛ تازه روح بیداری در جانمان می‌دود و رنگ‌های غیرت و عزت و اقتدار و آزادی، پر می‌شود از خون تازه حیات. قصه انقلاب، قصه تمام نشدنی است. نه این که پایانش باز باشد، نه. پایان این قصه ختم به خیر است؛

بند قصه‌های کودکانی که برای ما تعریف می‌کرد خوابیم می‌برد. اما یادم هست چه خواب‌ها که با همان رنگ و بو می‌دیدم و صبح که می‌شد می‌دویدم که این بار من برای مادرم قصه تعریف کنم. اما قصه‌ها همیشه برای این نیستند که خوابمان ببرد. مثلاً سال ۵۷ قصه‌ای رقم خورد که وقتی هنوز

نزدیک روز مادر که می‌شویم یاد لالایی‌هایی می‌افتم که با واژه‌های عاشقانه از لب‌های مادرم بیرون می‌آمد و مرا به پرنیان رویاها می‌برد. هیچ وقت یادم نمی‌آمد که دقیقاً با کدام واژه و در کدام ترانه یا کدام



حسین شکیب‌راد
دبیر «نوجوان»